

خبرایات

حضور پررونق با باری به هر جهت؟



جواد طوسی

● سه ماه بیشتر به برگزاری سی‌وپنجمین «جشنواره فیلم فجر» باقی نمانده است؛ باز مثل همیشه، ترافیک فیلم‌های در حال فیلم‌برداری، تدوین و ... با وجود توصیه‌ها و پیشنهادهایی که امثال بنده مبنی برم برنامه‌ریزی در جهت حضور فیلم‌سازان مطرح و تأثیرگذار نسل‌های مختلف در بخش مسابقه جشنواره داشته‌ایم، باز شاهد حضور غالب فیلم‌سازان جوان در چرخه تولید هستیم. طبیعتا هر جامعه زنده و پویایی باید از حضور پراکنیزه نسل جوان خود در حوزه‌های فرهنگی- هنری، علمی-آموزشی، ورزشی و ... استقبال کند. جاه‌طلبی و نگاه خلاقانه این نسل در عرصه رقابت، بیشتر و بهتر جواب می‌دهد. از طرفی جامعه همچنان منتهب و به‌دور از عدالت اجتماعی، نیاز به دیدگاه جسورانه و بی‌پروا دارد. همه اینها را گفتم تا این ذهنیت پیش نیاید که با جوان‌گرایی مخالفم؛ اما در قبال آن، آیا می‌توان تجربه‌های گران‌قدر و سخت به‌دست‌آمده فیلم‌سازان نسل میانی و قدیمی را نادیده گرفت؟ تاریخ فرهنگ و هنر یک سرزمین را ریشه‌های قرص و محکم تشکیل می‌دهد؛ در این نسل‌های سردگرم‌چشیده و موسفیدکرده می‌توان نیروهای اصیل و افکار عمیقی را دید که گاه در جایگاه یک ناظر غم‌خوار و نگران و روشن‌بین تاریخ قرار می‌گیرند و گاه فارغ از هر ذوق‌زدگی و خودشیفتگی و افراط‌گرایی، به نگاهی تعدیل‌یافته در فرم و محتوا رسیده‌اند. نمونه‌های این‌گونه فیلم‌سازان که‌منکار و تاریخ‌ساز و صاحب‌سبک در سینمای جهان کیم نبوده‌اند که تا سال‌های آخر عمرشان تصویر و شمایی مقبول و دیدنی داشتند. جان فورد، چارلی چاپلین، آکیرا کورسوا، ژان پیر ملویل، آلفرد هیچکاک، اینکمار برگمن، جان هیوستن، بیلی وایلدر، استیون اسپیلبرگ، فدریکو فلینی،فرانچسکو زُری، ژان لوک گدار، مارتین اسکورسوزی، کلینت ایستوود و ... در گذر آن‌هم سه سال و کسب تجربه‌های گوناگون و پربار به این موقعیت شاخص و تثبیت‌شده در تاریخ سینما دست یافته‌اند. تصور نمی‌کنم بر پایه این نمونه‌ها و مستندات معتبر بتوان مدعی بود که هر نسلی قائم به خود است و به گذشته‌گاش نقطه اتکا ندارد. این چنین نگرش غلطی، یعنی نفی بخشی از یکپره تاریخ و سبک‌ها و ... اساسا هرگونه نوآوری و شالوده‌شکنی در فرم و روایت نیاز به فهم و درک درست سینمای کلاسیک و سرمدانان و افراد تأثیرگذارش دارد. رعایت این سلسله‌مراتب و حرمت‌نهادن به پشتوانه‌های فرهنگی و نیروهای استخوان‌خردکرده و خوش‌ذوق را سینمای آمریکا و آکادمی اسکارش خوب بلد است؛ مثلا همین مطرح‌شدن فیلم‌ساز میان‌سال‌ی چون انارتیزو در دوره‌های اخیر اسکار را در نظر بگیریم.اما ما در این سال‌ها نشان داده‌ایم که فقط حرف می‌زنیم و به مناسبت‌های مختلف، هرازگاهی فقط بلدییم برای خالی‌نیودن عریضه و ارائه بیان کار، مراسم بزرگداشت و رونمایی‌راه بیندازیم و زنگی را برای یک آدم قدیمی بز نیم و اصلا به تداوم حضور مؤثر و هدفمند و هویتمندش کاری نداریم. عباس کیارستمی را تازه بعد از مرگ تلخش شناختیم و حواحلوا کردیم و داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی و بهمن فرمان‌آرا را به امان خدا رها کرده‌ایم و همین امسال فعلا نمایش آخرین فیلم مسعود کیمیایی (قاتل اهلی) در این دوره از جشنواره فیلم فجر محل بحث و تردید است. از فیلم‌سازان شناخته‌شده نسل میانی که حرفی برای گفتن داشته‌اند چه تعدادشان در جشنواره امسال شرکت دارند؟ آیا با این پراکندگی و جدافتادگی و یک‌سویه‌نگری می‌توایم تنور مهم‌ترین رویداد سینمایی‌مان را گرم نگه داریم؟

جارجی

بزرگداشت «محب‌ا‌هری» در تهران

● **شرق:** آیین بزرگداشت از مقام هنری حسین محب‌ا‌هری، بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما، شامگاه شنبه ۲۲ آبان در تالار هنر برگزار شد. در این مراسم مهدی شفيعی، اصغر همت، آتیلا پسیانی، بهزاد فرهادانی، مریم کام‌طی، محمودرضا رحیمی، اصغر دشتی، محسن حسینی، داریوش مؤدبیان، خسرو احمدی، فرهاد فروزی، امیر معید و... حاضر بودند. در ابتدا تصاویری از نقش‌آفرینی‌های مختلف حسین محب‌ا‌هری در آثار هنری پخش شد. سپس اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر، با یادآوری این نکته که از سال ۵۲ با حسین محب‌ا‌هری، وقتی در کارگاه نمایش بود، آشنا شده، گفت: او اگر نقش کوچکی را هم ایفا می‌کرد، آن را بزرگ می‌کرد. حسین محب‌ا‌هری همیشه باعث شادی و شفع گروه بود، حتی وقتی دلش بر بود و حتی وقتی بیماری مهلک به سراغش آمد. چیزی که حسین را نگه داشته، روحیه پاک او است.



شرق: این‌روزها همچنان سخنان دلگرم‌کننده رئیس‌جمهور در دیدارش با هنرمندان در زمستان سال ۹۳، در خاطرها مانده است. تأکید روشن روحانی بر دو ارکستر سمفونیک تهران و ملی و قول راه‌اندازی آنها، نویدبخش روزهای باشکوه این دو ارکستر همانند سال‌های اولیه دهه ۸۰ بود. ارکستر سمفونیک ۸۲ساله، حال‌وروز خوبی ندارد. ارکستر ملی ۱۸ ساله پس از کناره‌گیری فرهاد فخرالدینی - رهبر پیشین - تا مرز اغما رفت؛ باین‌حال از پنجم مهر که فریدون شهبازیان - آهنگ‌ساز - چوب رهبری این ارکستر را در دست گرفته، امیدها به آن بیشتر شده است. اما اولین حاشیه مربوط به این ارکستر را همایون شجریان رقم زد. این خواننده دعوت رهبر ارکستر ملی از او را



گفت‌وگو با حمید نعمت‌الله

هدفم ساختن فیلم متفاوت نیست

بهناز شیرینی: «آرایش غلیظ» آخرین فیلمی بود که از حمید نعمت‌الله اکران شد؛ فیلمی که موافقان و مخالفان بسیاری داشت. تفاوت نگاه حمید نعمت‌الله و روایت قصه‌ای که درعین سرگرم‌کردن مخاطبش، او را با نوع دیگری از سینما آشنا می‌کند، تحسین‌برانگیز بود، باین‌حال داوران حامی‌دومین جشنواره فیلم فجر بازی متفاوت حامد بهداد و کارگردانی خوب نعمت‌الله را در این فیلم نادیده گرفتند. سه سال پس از ساخت «آرایش غلیظ»، نعمت‌الله فیلم سینمایی «رگ خواب» را مقابل دوربین برد؛ فیلمی که اوج و فرود رابطه میان یک زن و مرد را به نمایش می‌گذارد و لایلا حاتم‌ی افباگر نقش اصلی این فیلم سینمایی است. او دومین تجربه سینمایی خود را با نعمت‌الله در این فیلم تجربه می‌کند و نقشی متفاوت از آنچه در«بی‌پولی» بازی کرده، مقابیل دوربین خواهد برد. این روزها نعمت‌الله سرگرم ساخت فیلم سینمایی«شعله‌ور» است. بهانه صحبت ما با او، ساخت این فیلم است. **آ ظاهر امسال با «رگ خواب» در جشنواره فیلم فجر حاضر خواهید بود. این‌ فیلم در چه مرحله‌ای است؟**
«رگ خواب» آماده نمایش است و مراحل فنی را پشت‌سر گذاشته. **آ تصمیم دارید «شعله‌ور» را هم برای جشنواره آماده کنید؟**
هنوز فیلم در حال فیلم‌برداری است و سخت است که از الان پیش‌بینی‌ای درباره حضور فیلم در جشنواره داشته باشیم، اما سعی می‌کنیم فیلم تا آن زمان آماده شود. **آ فکر می‌کنم تا به امروز سابقه نداشته شما با فاصله کوتاه دو فیلم بسازید و به‌هرحال برای مخاطبان آثار شما این اتفاق خوبی است.**

«همایون» همکاری با ارکستر ملی را رد کرد

تکذیب «شجریان»، سکوت «شهبازیان»

برای اجرای آثار محمدرضا شجریان در ارکستر ملی تکذیب کرد. مؤسسه فرهنگی- هنری «دل‌آواز»، ناشر رسمی آثار خانواده شجریان، روز گذشته با ارسال توضیحاتی به رسانه‌ها، همکاری همایون شجریان را با ارکستر ملی تکذیب کرد. در متنی که دل‌آواز به نقل از همایون شجریان منتشر کرده، آمده: «با تمام احترامی که برای هنر آقای شهبازیان قائل هستم، باید اعلام کنم روحم از این دعوت خبر ندارد».



نوش آبادی استعفا کرد

همه حاشیه‌های آقای «سخنگو»

شرق: چند هفته پس از رفتن جنتی، حسین نوش‌آبادی، سخنگوی ارشاد هم از سمت خود استعفا داد. نوش‌آبادی در گفت‌وگو با خبرگزاری صداوسیما، دلایل استعفای خود را گسترده‌گی فعالیت‌هایش در حوزه حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت ارشاد اعلام کرده است. فارغ از جرایمی استعفای نوش‌آبادی، بدون شک او را می‌توان جنجالی‌ترین و پرحاشیه‌ترین چهره وزارت ارشاد در دوران وزارت علی جنتی دانست.

نقل قول‌های دردسر‌ساز

صحبت‌های نوش‌آبادی درباره اکران فیلم سینمایی «رستاخیز» از جمله مواردی بود که باعث شد هرازچندگاهی حاشیه‌ای از صحبت‌های او و البته پاسخ عوامل این فیلم به گفته‌های او خبرساز شود. او در یکی از این اظهارنظرها، در نشست خبری خود گفته بود به‌دلیل بروز مشکلات در اکران «رستاخیز»، کارگردان فیلم بپذیرد که روی چهره حضرت ابوالفضل از افکت نوری استفاده شود تا مسائل مربوط به اعتراض اکران فیلم مرتفع شود؛ این حرف‌های سخنگو، با پاسخ عوامل «رستاخیز» و انتشار نامه‌ای در جواب به او روبه‌رو شد، در بخشی از نامه آمده بود: «سخنא سخنگوی محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که به اشتباه در برخی رسانه‌ها به‌منزله انجام تحیراتی در فیلم سینمایی رستاخیز تلقی گردیده، در حد یک گمانه‌زنی قلمداد شده و امید می‌رود ایشان در اطلاع‌رسانی رویدادهای فرهنگی کشور دقت بیشتری مبذول کنند». اما ماجرای لغو کنسرت‌ها که از جانش‌های بزرگ وزارت ارشاد در چند ماه گذشته بود، با صحبت‌های جنجالی نوش‌آبادی خبرساز شد. او در پاسخ به سؤال‌های متعددی درباره دلایل لغو در خی کنسرت‌ها از جمله کنسرت کیهان کلهر و شهرام ناظری و موضع وزارت ارشاد در برابر این قبیل

پرسیم، اما او در این‌باره گفت: «حرفی نیست». فارغ از این مسئله، می‌توان امیدوار بود با برنامه‌ای که شهبازیان برای ارکستر ارائه کرده، شاهد اجراها و برنامه‌های خوبی در ماه‌های آینده خواهیم بود. فریدون شهبازیان متولد سال ۱۳۲۱ در تهران است. او در هشت سالگی ساز ویلن را فرا گرفت و در ۱۸سالگی به عضویت ارکستر سمفونیک تهران درآمد. شهبازیان فارغ‌التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او رهبری گروه گُر و ارکستر سمفونیک رادیو را در کارنامه خود دارد. او با خوانندگانی مانند محمدرضا شجریان و نادر گلچین همکاری داشته و در زمینه ساخت موسیقی فیلم نیز فعال بوده است.



● **شرق:** فیلم «ابد و یک روز»، اولین ساخته سعید روستایی، جایزه بهترین فیلم جشنواره «ژئو» در کشور سوئیس را از آن خود کرد. این فیلم که در بخش رقابت بین‌المللی فیلم‌های بلند در جشنواره فیلم «ژئو» حضور داشت، در نهایت جایزه نقدی ۱۰هزارفرانکی بهترین فیلم این رویداد سینمایی را کسب کرد. سعید روستایی، کارگردان فیلم، به دلیل نداشتن پاسپورت توانست در این برنامه شرکت کند و در فیلمی که در فضای مجازی منتشر کرد، اعلام کرد که چون سربازی نرفته است، پاسپورت ندارد. فیلم «ابد و یک روز» برنده ۹ سیمرغ بلورین از سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، برای کسب جایزه اول جشنواره فیلم «ژئو»، با آثاری از کشورهای آژانتین، فیلیپین، فرانسه، مصر، هنگ‌کنگ و دانمارک رقابت داشت.

«ابد و یک روز» روایتگر داستان خانواده‌ای است که در تدارک مراسم عروسی یکی از دختران است، اما اتفاقاتی، روابط خواهران و برادران را سرد می‌کند و در نهایت باعث ماجراهایی می‌شود.

تماشاخانه

درباره اجرای «ویرانی» افشین حسن‌زاده آبادی بازیگر در ویرانی

دنیا مقدم‌راد

● از بازیگری که روی صحنه پادش نمی‌رود کاراکتر را برای خودش زندگی کند، نه برای خوش‌آمد ما، باید ممنون بود. باید او را دید. باید اجزای کارهایی را که روی صحنه انجام نمی‌دهد، هم تجزیه و تحلیل کرد تا ببیند او را دیده‌ایم. ماندن فرسایشی در روابطی که خود ویرانی به بار می‌آورد که هر دو سر رابطه بیمارانه به هر دو سرش دچارند. اعتیاد دارند. از روی دست هم زندگی را کپی می‌کنند. در فضای قصه‌ای این چنینی که پر از تکرارهاست، اگر حواس‌ت به رفت‌وآمد بومرنگی می‌زانی، حواس‌ت به خط آرام و صافی از ران کنترل نکنی، قصه‌ات برای بازیگر بازیکر ریتم از دست‌رفته می‌گراید. به‌عنوان کارگردان باید برای هرآن هر شخصیت در قصه، هزاران پیشنهاد و اضافه‌کردن زیر لایه‌های پنهان و چند معنایی در رفتار بازیگر داشته باشی. این کار از این‌گونه لحظه‌ها کم دارد.

اما کار بازیگرا! فریبا کامران که اسم ندارد که شخص ثالث یک رابطه است؛ وقتی قاطبی کاراکتری که دارد آن را بازی می‌کند محافظه‌کاری دارد، پودس را که جابه‌جا می‌کند، بی‌صدا این کار را انجام می‌دهد، وقتی پودس را بی‌تماس با زمین بلند می‌کند، موقع زمین‌گذاشتش هم بی‌صدا می‌دند. چندبار هم حواس‌ت را جمع می‌کنی ببینی تکرارش می‌کند یا نه و او تکرارش می‌کند تا ببینی این کار را کرد! وقتی از دیدن این کارش خوشحال می‌شوی، باید وقتی برمی‌گدی خانه، حتی اگر داری می‌میری، نشننی این موضوع را برای کسی یا کسانی خواندنی کنی. خبرش را بدهی تا بروند ببینند. حیث است صدای کنترل‌شده و لحن فک‌شده و حواس جمع بازیگر روی صحنه گزارش داده نشود. فراخوان نشود. حتی اگر کلیت کار تو را توجیه نکنند. حیث نیست؟ چرا وقتی قصه‌ای خوب است می‌آیم درباره‌اش می‌نویسیم، اما وقتی در کاری که بن‌مایه خوبی هم دارد، اما پرداختش پیر از جای انتقاد است، بازیگری دارد حضور پررنگی ایفا می‌کند، این واقعیت را پررنگ نمی‌کنیم؟ چرا عادت نداریم در نقد مکتوب اشاره مستقیم کنیم و بگوییم عطف فلان کار تاتار، به حضور صحنه‌ای فلان‌کس است؟ چند رفتار مناسب و به‌موقع که در اجرای «ویرانی» افشین حسن‌زاده دیدیم، از شخص ثالث یک رابطه، مستوندی بود. دست به انجام عملی نبرد، اگر برد در نشان‌دادنش راسخ بود و این صراحت را به من تماشاگر نشان داد. برای خوش‌آمد من کاری را نکرد. خود شخصیت را زندگی کرد. در نهایت اثر فضای اجرا بی‌ضعف هم نبود، قدرتش را مدیون اوست.



نگاهی به نمایش «چند درجه سوء تفاهم در مقیاس اتللو» در اصفهان

میانه زیستن و مردن با باز خوانی اتللو

کسی که هر شب به زندگی و مرگ دیگری می‌رسد؛ به صحنه می‌آید تا هر آنچه را که تا امروز نگفته مانده، در تلاشی مقوم به ذهن‌ها بنشاند! محسن رهنما در قالب نویسنده، اتللو را با کمک بازیگر نقش اتللو به نقد می‌کشاند و زندگی، ما و قضاوت‌هایمان را در چالش و پرسش‌رها می‌کند. نه اتللو آن اتللو ی معصوم قصه‌هاست و نه ما تماشاگران ساکت و بی‌تقصیر نمایش! بازیگر نقش اتللو رودرو با ما بسان کسی با آینه‌ای در دست در اوج تبحر و زیرکی تصویری از انسان پیچیده امروز در لحظه‌های ترس، تردید، حسادت، دروغ و هزار ویژگی‌های فروخورده دیگر تصویر می‌کند؛ پس ما هم چون او در سالن تئاتر زیست می‌کنیم و با لبخندی تمسخرآمیز به بلندی تاریخ بشریت با قضاوت‌ها و افکار دیرینه‌مان به خانه برمی‌گردیم. به جز نگرش متفاوت، دانش و توان نویسنده در کاربرد زبان و ادبیات هم درخور توجه است. نگارش دیالوگ‌هایی عمیق و فاخر که با اجرای خوب بازیگر و هدایت درست کارگردان نه‌تنها به شعارهای سطحی مبدل نشده‌اند بلکه زخم‌ها و دردهای انسان را از گذشته تا امروز بروز می‌دهند؛ دیالوگ‌های ماندگاری که بسیاری از مخاطبان به‌غلط آن را منسوب به شکسپیر می‌دانند! گروه اجرایی و در رأس آن حبیب‌الله دانش در قامت کارگردان نیز بسیار تیزبین، دقیق و باظرافت، فواصل زمانی و زبانی موجود در متن را دریافته و با بهره‌گیری از ساده‌ترین و حداقل امکانات صحنه به اجرای آن می‌پردازند تا تماشاگر را با خود از صحنه‌ای به صحنه دیگر و زمانی به زمان دیگر برند و در نهایت شیوه بازیگری متفاوت و کمتر دیده‌شده محمدرضا ترابی که از صافی نگاه حبیب‌الله دانش گذشته است؛ تماشای نمایش را به تجربه‌ای چالش‌برانگیز بدل می‌کند. تک‌بازیگر نمایش این‌بار برای اجرا نه آویزان بر طول و عرض صحنه با حرکات و آداهای اضافی که در مرکز آن روی سکویی روبه‌روی تماشاگران فرود آمده تا در یک درنگ کوتاه، اما سهمگین و نفس‌گیر با قدرت و تمرکزی مثال‌زدنی با تماشاگران چشم‌درچشم شود؛ پس دست‌ها، چشم‌ها، بیان و... بسان هویت و عناصری جداگانه به کمکش

...